بسیار شنیده ایم که ایرانی‌ها از لحاظ ژنتیکی افرادی بسیار باهوش هستند و توانمندی‌های بالائی دارند مصداق این فرضیه را نیز ایرانی‌های خارج از کشور ذکر کرده‌اند که در مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی مهم مشغول خدمت هستند و توانسته‌اند خود را در بین متخصصین و دانشمندان جهان مطرح کنند. از اینکه ایرانی‌ها عمدتاً در کشورهای دیگر موفق بوده‌اند بحثی نداریم و البته علل آن و اینکه افرادی که از یک سرزمین کوچ می‌کنند چه توانمندی‌هایی و چه نیازهایی دارند و چه شرایطی را می‌طلبند و عمدتاً توانمندی‌های فراتر از جامعه‌شان آنها را به کوچ واداشته بحثی نداریم ولی اینکه ما جهت سرپوش گذاشتن بر مشکلات و عیوب خود مدام به گذشته خود و گذشته این مرز و بوم و نیز توانمندی‌های خارج از جامعه فعلی بپردازیم فرار از واقعیت محسوب می‌شود وقتی بحث مشکلات موجود در جامعه، مشکلات موجود در دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی، عدم پیشرفت‌های اجتماعی متناسب با زمان مطرح می‌شود از محققین خارج از کشور خود نام ببریم و گذشته مملکت خود را مرور کنیم نتیجه‌ای حاصل نخواهد شد.

باید بپذیریم ما هم ملتی هستیم مانند همه ملل دنیا با تمام توانمندی و نقاط قدرت و ضعف که همه دارند البته مشخصه‌های خاصی نیز داریم که هر قومی نیز برای خود دارد. در محیط معینی و در زمان معینی نیز زیست می-کنیم. بنابراین ظرفیت ژنتیکی ما در این محیط و شرایط می‌تواند بروز نماید. همانگونه که هر موجودی حاصل ژنوتیپ و محیط است ما هم از این قاعده مستثنی نیستیم. ژنوتیپ را در جامعه انسانی نیز نمی‌توان تغییر چندانی داد بنابراین باید محیط را بهبود دهیم تا بهره‌وری بهتری حاصل گردد.

از پارامترهای مؤثر در محیط تحقیقات و آموزش کشور می‌توان محققین، دانشجویان و دانش پژوهان مدیریت، بودجه و امکانات، و ارتباطات را ذکر نمود ورای تمامی این‌ها باید به نگرش مدیریت کالای کشور و نیز جامعه به تحقیقات و آموزش توجه داشت.

جمعیت عظیم دانشجویی کشور می‌تواند بیانگر توجه جامعه به آموزش عالی به تبع آن تحقیقات باشد ولی آیا این توجه تمامی افراد جامعه به ادامه تحصیل، و خیل عظیم متقاضیات ورود به دانشگاه به واسطه علاقه به علم و آموزش است!؟ آیا تمامی امکانات برای ورود به تمامی عرصه‌های اجتماعی فراهم است!؟ آیا اگر جوانی به دانشگاه راه نیافت، امکانات دیگری در سطوح دیگر جامعه با همان امنیت برایش فراهم است!؟

از طرف دیگر امکانات موجود در بخش آموزش و تحقیقات کشور چه درصدی از تولید ناخالصی ملی ما را به خود اختصاص داده است و آیا این عدد با بودجه‌ای که کشورهای دیگر که ما می‌توانیم خود را با آن‌ها مقایسه کنیم، مانند ترکیه، مالزی و هند چه رابطه‌ای دارد!؟ به پیروی از این شرایط، چه درصدی از فارغ‌التحصیلان مراکز آموزش عالی در کشور ما جذب تحقیقات و چه درصدی جذب کار در تخصص عالی خود می‌شوند. در این رابطه است که کیفیت آموزش و تحقیقات اهمیت پیدا می‌کند، اگر قرار باشد که بخش قابل قبولی از این فارغ التحصیلان در تخصص خود بکار گمارده شود کیفیت علمی آن‌ها اهمیت پیدا می‌کند، آیا این گونه است!؟

آیا در این آموزش عالی و پرورش کارشناسی و متخصص، کار شناسایی مهندسین، پزشکان و فارغ التحصیلان را پرورش نمی‌دهیم که دارای مدرکی دانشگاهی و تخصصی هستند که بکار فروشندگی، رانندگی، واسطه‌گری، و غیره مشغول هستند. حتماً پزشکان عالی رتبه‌ای که بساز و بفروش هستند، مهندسین عالی رتبه‌ای که در کار دلالی و واسطه‌گری بازار هستند را دیده‌اید از این فضای آموزشی خروجی‌های آن و نیاز جامعه به آن چه انتظاری می‌توان داشت و چه درصدی از فارغ التحصیلان ما در تخصص خود مشغول بکار می‌باشند!؟

ادامه دارد

[Downloaded from mail.mg.genetics.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.20084439.1387.3.4.8.1]